

مسعود نیلی:

دولت در دخالت‌های غیربودجه‌ای نیز بسیار فعال است

■ ایسنا؛ استاد دانشگاه شریف با بررسی رابطه دولت و رشد اقتصادی در ایران تصریح کرد که کسری بودجه دولت اثر منفی بر رشد اقتصادی می‌گذارد. مسعود نیلی در یک نشست تخصصی که با عنوان رابطه دولت و رشد اقتصادی ایران در اتاق بازرگانی تهران برگزار شد، در این مورد پس از ارائه پژوهشی اظهار کرد: دولت در اقتصاد ایران یک نهاد مسلط است و اینکه ما بتوانیم شناسایی درستی داشته باشیم که چه حجمی از اقتصاد به کشور را دولت در اختیار دارد، به بسیاری از مسایل می‌تواند کمک کند. وی ادامه داد: پیش از انجام این پژوهش در دانشگاه شریف پیش‌فرض‌ها بر این بود که سهم دولت ۸۰درصد است که در این پژوهش اثرات حضور دولت در اقتصاد کشور بررسی شده است. نیلی ادامه داد: در بخشی از این پژوهش به نقش دولت در اقتصاد ایران به صورت تاریخی پرداخته‌ام و شاخص‌های مربوط به اندازه دولت و مداخلات آن در نهادهای اقتصادی ارزیابی شده است. مناسب‌ترین معیار برای این کار رشد اقتصادی بود که بررسی شده است اندازه دولت چه تأثیری بر رشد اقتصادی کشور می‌گذارد. این استاد دانشگاه با بیان اینکه در اقتصاد فعالیت‌های دولت فقط به بودجه آن مربوط نمی‌شود، افزود: دولت در تصدی و دخالت‌های غیربودجه‌ای نیز بسیار فعال است. دولت هر کشوری در این مورد با سه مقوله مواجه است؛ انجام هزینه‌ها، کسب درآمد و مدیریت نبود تعادل و کسب درآمد هم از طریق جامعه و دریافت مالیات و فروش نفت انجام می‌شود. به گفته این کارشناس اقتصادی، فروش نفت اثر آفایشی علی‌الاصول در رشد اقتصادی ندارد. وی در مورد نبود تعادل نیز توضیح داد: نبود تعادل از طریق استقراض از بانک‌ها اتفاق می‌افتد که منجر به تورم می‌شود و انتظار داریم بر رشد اقتصادی کشور تأثیر منفی بگذارد. نیلی تصریح کرد:در مجموع انتظار داریم که کسری بودجه دولت بر رشد اقتصادی اثر منفی بگذارد. وی در مورد تصدی‌های دولت متذکر شد: وقتی دولت بنگاهی را ایجاد می‌کند، هرچند انتظار می‌رود که با افزایش تعداد بنگاه‌های کشور میزان تولید افزایش یابد اما این تصدی دولت چون مایع از حضور بخش خصوصی می‌شود، رشد اقتصادی را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد. این کارشناس اقتصادی با اشاره به دخالت‌های غیربودجه‌ای دولت مانند قیمت‌گذاری اظهار کرد: اگر بخواهیم فعالیت‌های دولتی را ارزیابی کنیم، باید بودجه عمومی را به درستی محاسبه کنیم. در این بخش خدمات عمومی مدنظر قرار گرفته‌اند که از نظر دولت مانند کالاهای لوکس هستند چراکه وقتی سطح درآمد مردم افزایش می‌یابد، انتظار از کیفیت خدمات عمومی نیز متناسب با درآمد‌ها زیاد می‌شود و باید خدمات ارائه‌شده دولت افزایش یابد. نیلی خاطرنشان کرد: همین مساله باعث شده در اقتصادهای صنعتی به تدریج نقش دولت در تأمین اجتماعی بزرگ‌تر شود و به همین دلیل یکی از سوال‌های اقتصاد سیاسی به‌وجودآمده، این است که چه شده دولت‌ها این‌گونه بزرگ‌تر شده‌اند. وی در ادامه روند اندازه دولت در اقتصاد ایران را کاهنده تلقی کرد و افزود: در سال ۸۸ حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور به دولت اختصاص یافت. این کارشناس اقتصادی در ادامه به تعریف شرکت‌های دولتی نیز پرداخت و گفت: طبق قانون، شرکت‌هایی که بیش از ۵۰درصد سهام آنها در اختیار دولت باشد، شرکت‌های دولتی تلقی می‌شوند. سهم بودجه‌های شرکت‌های دولتی در بودجه کشور ما از ۲۹درصد طی سال ۵۱ به ۸۲درصد در سال ۸۳افزایش یافته است. نیلی در پایان خاطرنشان کرد: طبق آمارهای سازمان حسابرسی سال ۷۱ میزان شرکت‌های دولتی هزار و ۵۶۷ شرکت بوده که در سال ۸۸ به هزار و ۱۲ شرکت رسیده است. اما طبق آمارهای کمیسیون اصل ۴۴ مجلس از واگذاری‌های انجام‌شده تنها ۱۳/۵درصد برای بخش خصوصی بوده و بقیه به بخش‌های دولت و وابسته به آن واگذار شده است.

رییس مرکز آمار:

برای اعلام نرخ رشد صنعتی ۸۷ و ۸۸ از ما درخواستی نشده است

■ رییس مرکز آمار ایران گفت: تاکنون از این مرکز برای محاسبه و اعلام نرخ رشد صنعتی کشور در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ درخواستی نشده است. عادل آذر درباره اختلاف‌نظرهای پیش‌آمده بین وزارت صنعت، معدن و تجارت و بانک مرکزی درباره اعلام نرخ رشد صنعتی سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ توضیح داد: نرخ رشد صنعتی این دو سال طبق قانون توسط بانک مرکزی اعلام شده و از سال ۱۳۹۰ به بعد محاسبه و اعلام این نرخ بر عهده ما گذاشته شده است. آذر درباره تعیین تکلیف نرخ رشد صنعتی دو سال ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ گفت: به هر حال باید بانک مرکزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت خودشان دعوی به‌وجودآمده را حل کنند و من در جریان این دعوا نیستم و تکلیفی هم نداریم. رییس مرکز آمار ایران افزود: ما در نشست‌های بین این دو نهاد حضور نداشتیم، اما می‌دانیم کمیته‌هایی برای حل این اختلاف‌نظر در حال کار هستند. این مقام مسئول در پاسخ به این سوال که آیا مرکز آمار اقدامی برای محاسبه و اعلام نرخ رشد صنعتی سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ خواهد کرد یا خیر؟ گفت: اگر از ما به‌عنوان یک مرجع حرفه‌ای درخواستی شود، ما اعداد را اعلام می‌کنیم اما تاکنون نه بانک مرکزی و نه وزارت صنعت، معدن و تجارت درخواستی از ما نداشتند.

علم اقتصاد و ارزیابی راهبردها برای گذار از وضع امروز در گفت‌وگو با کمال اطهاری

باید اقتصاد سیاسی را احیا کرد



کمال اطهاری، اقتصاد‌شناس

۴ چه زمانی نیاز به تحول در علم به‌وجود می‌آید؟ آیا بازنگری در علم اقتصاد ضرورت دارد؟

پیوسته در تمام شاخه‌های علمی به‌ویژه علوم انسانی دگرگونی رخ می‌دهد. طبق نظریه کوهن این دگرگونی اجتناب‌ناپذیر است. یک سیر این تحول طوری است که در هر مقطع زمانی، سرمشق‌ها یا پارادایم‌هایی که در علوم استفاده می‌شود، روش‌شناسی و شیوه تجزیه و تحلیل علوم انسانی از علوم فیزیک و شیمی و به‌طور کلی دستاوردهای علوم طبیعی تأثیر می‌پذیرد. چنین تغییراتی به‌طور مستمر در قرن بیستم رخ داد، نظریه انیشتین، نظریه بیگ‌بنگ و کوانتوم که بسط نسبیت انیشتین است، انقلاب‌های علمی قرن بیستم هستند. امروزه بحث نظریه کوانتوم به نظریه ریسمان رسیده و ابعاد کوانتومی چندبرابر شده است. در مجموع یک جهان واحد و بسیار متشخص و چندلایه وجود دارد که از لایه‌ها در حال تعامل و تغییر دائمی هستند. این تصویری از یک پارادایم عمومی طبیعی است.

در طی دو دهه گذشته در عرصه اقتصاد شاهد دو تحول بزرگ و دگرگونی اساسی بودیم. فروپاشی سوسیالیسم دولتی و بحرانی که از آستانه‌هزاره سوم شروع شد و در سال ۲۰۰۸ به قطعیت رسید. این دو تجربه بسیار مهم در تاریخ اقتصاد نشان می‌دهد که شیوه قبلی تجزیه و تحلیل روابط اقتصادی انسان‌ها کارآمد نبوده است. قیلاهم در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ این انتقاد به شیوه رایج در آن زمان مطرح می‌شد. یعنی دو مکتب اصلی مارکسیسم و مارکسیسم با تفسیر اقتصاد دولتی (سوسیالیسم دولتی) که عینیت بیشتری دارند در مقایسه با فیزیک، یک مکتب کل‌گرا و با جبریت مطلق بود و از وحدت جهان نوعی جبریت اختیار می‌کرد و آن را به سمت فلسفه هگل می‌برد. گو اینکه سرنوشت جهان از قبل تعیین شده و به‌جای عقل کل هگل، تاریخ قرار می‌گیرد. در مقابل، مکتب نئوکلاسیک از جزءگرایی مطلق وارد شده و تابع نوعی جبریت است یعنی عقلانیت بدون زمان و مکان را مفروض می‌انگارد. عقلانیت اقتصادی بدون زمان و مکان و فراگیر با نظریه نسبیت انیشتین که زمان و مکان را در هم آمیخت سازگاری ندارد. جبرگرایی تاریخی و خطی روابط اقتصادی هردو برخلاف سرمشق‌های نسبیت کوانتوم و ترکیبات آنها در سایر علوم بود. این دو مکتب یعنی مارکسیسم و نئوکلاسیسم با این پارادایم‌ها سازگار نیستند. جریان فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم و شدت بحران کنونی که شدیدتر از بحران دهه ۱۹۷۰ است، لزوم تجدیدنظر در روش‌شناسی علم اقتصاد و احیای اقتصاد سیاسی به جای آن را آشکار می‌سازد.

۴ اگر از بعد واقعیت به قضیه نگاه کنیم آیا علم اقتصاد مرسوم توانایی انجام کارکردهای یک شاخه علمی را دارد؟

برای پاسخ باید چند گزاره را مطرح کنم. واقعیت نشان می‌دهد که استیلای مطلق بازار یا برنامه‌ریزی متمرکز دولت، هیچ‌یک نمی‌توانند رشد پایدار، اشتغال کامل و رشد نیروهای مولد را تضمین کنند. درواقع برنامه و بازار به‌گونه‌ای عمل کرده‌اند که نشان داده‌اند سطح عقلانیت ابزاری که از سلطه قدرت و سرمایه ناشی می‌شود بدون تضمین

رشد پایدار به اثباتش ثروت نذد عده‌ای خاص منجرمی‌شود. به نظر می‌رسد تا قاف قابل مشاهده، بشر از روابط بازار برای رشد بهره‌گیرد. درحالی‌که برنامه‌ریزی متمرکز پروتئریایی کاملاً از تاریخ حذف شده است می‌توان درباره این نتایج قاطعانه سخن گفت. هیچ نظریه اقتصادی نمی‌توان یافت که یک نظام مبتنی بر مالکیت عمومی ابزار تولید، دیکتاتوری پرولتاریا و برنامه‌ریزی مرکزی که به صورت آنتاگونیسم با بازار تقابل داشته‌اند را عرضه کند. اکنون چنین نظامی موجود نیست. این هم مشخص است که روابط بازار به خودی خود به رشد پایدار نمی‌انجامد. به‌عنوان نکته اول باید تنظیمات لازم برای آن برقرار شود؛ تنظیمات هم به معنای معادل اصطلاح انگلیسی آن یعنی مقررات و هم معادل اصطلاح فرانسوی آن یعنی انتظام. انتظام‌بخشی به قواعد بازار ضرورت دارد. در اینجا احیای اقتصاد سیاسی مطرح است. انتظام‌بخشی در چارچوب برخی از مقررات که به اقتصاد محدود نشود نیست و در زمینه خود اقتصاد امکان‌پذیر نمی‌شود. جریان نزاع بین جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها در طی بحران مالی ۲۰۰۹ این بود که به دلیل ناتوانی دست نامبری بازار و عمل نکردن فرضیات نئوکلاسیکی باید مقررات وضع کرد. به‌عنوان نکته دوم، فراتر از این مباحث باید اقتصاد دوباره در جامعه هک شود.

یعنی سیستم‌های حمایت از مردم مثل سیستم بهداشت در آمریکا به وجود آیند. در اینجا دوباره اقتصاد، امر اجتماعی می‌شود. به این چند گزاره اصلی باید توجه کرد و بر همین اساس به سراغ حوزه‌هایی که پیش از این مورد غفلت کل‌گرایان و جزءگرایان مطلق بوده‌رفت. باید اقتصاد سیاسی با موضوعات جدید با روشی غنی‌تر از گذشته برخورد کند و میراث مارکس، شومپتیر، ریکاردو را کنار نگذارد بلکه روش‌شناسی همه‌جانبه‌تری مثل سرمشق‌های علوم اجتماعی یعنی کل‌گرایی همراه با تکثرگرایی را بر کار گیرد. ۴ به نظر می‌رسد در عرصه جامعه‌شناسی به‌ویژه نظریات آنتونی گیدنز این هماهنگی با تحولات سرمشق‌ها به‌خوبی صورت گرفته است. آیا این تحولات جامعه‌شناختی به اقتصاد کمکی می‌کند؟

از اِسنِ منظر باید در نظریات اقتصاد سیاسی نوین، کل‌گرایی با درون‌زایی بیامیزد. درون‌زایی امری انسانی است، نظریه گیدنز درباره دانش‌پذیر بودن انسان به مانند مارکس اعتقاد دارد که انسان در نهایت تاریخ‌ساز است و نهادهای شعور انسان وجود دارد. این درون‌زایی روش اقتصاد سیاسی را در جامعه‌شناسی وارد می‌کند. تفاوت اصلی اقتصاد سیاسی با اقتصادیات (علم اقتصاد) این است که اقتصاد سیاسی نقش تاریخ، نهادهای و طبقات و از این روی دولت را در شکل‌گیری روابط اقتصادی به حساب می‌آورد. اما در اقتصادیات روابط اقتصادی عبارت است از روابطی که افراد به صورت روشمند یعنی بر مبنای عقلانیت اقتصادی تنظیم می‌کنند که بیرون از تاریخ است. نمی‌توان توضیح داد که چرا برده‌داری، فئودالیسم و سرمایه‌داری ظهور کرده‌اند یا فرآیندهای اقتصادی از رقابتی به سرمایه‌داری سزایمانی منعطف رسیده‌اند و روابط طبقات متحول شده است یا چرا بحران‌ها رخ می‌دهند؟ در اوایل قرن بیستم، طبقه ثروتمند با صنایع خودرو و شناخته می‌شد امروزه این تصور هم متحول شده و بیل گیتس نماد ثروت است. حتی نوع تولید ثروت در سرمایه‌داری تغییر می‌کند.

نهادگرایان هم به این مسایل به خوبی پرداخته‌اند. داگلاس نورث می‌گوید که از اقتصاد نئوکلاسیک فهمیدیم در کجاهاضعف دارد و نمی‌تواند تغییرات بلندمدت را توضیح دهد. البته اقتصاد سیاسی نمی‌تواند میراث نئوکلاسیک‌ها را کنار بگذارد چون چارچوب نئوکلاسیک، تغییرات کوتاه‌مدت را تبیین می‌کند. پس ترکیبی از آن را اقتصاد سیاسی رایه می‌شود؛ نهادگرایان، مکتب انتظام و پست کینیزین‌ها، هر یک وجهی از این دنیای پیچیده را نشان می‌دهند. همانند فیزیک که قوانین حاکم بر ذرات با قوانین در سطوح میانی یا اترانگیک و کرات یا کلان ناسازگاری ندارد، وجود یک قانون در تاریخ، قانونی در سطح جزء‌تر را نفی نمی‌کند.

یکی از خطاهای قبل این است که شیوه برخورد کلان‌نگر، جامعه مدنی یا دموکراسی را امری برساخته از یک طبقه می‌دانست، ولی کاملاً مشخص شده که رشد پایدار بدون دموکراسی یا حکمرانی خوب نمی‌تواند محقق شود.

بین روابط سیاسی و اقتصادی، یک رابطه جبری برقرار نیست؛ روابطی که خود مارکس و انگلس هم از آن گریزان بودند. از این روی یکی از مکاتبی که بیشترین توضیحات درباره پیش‌بینی بحران را ارائه داد، نظریه انتظام است که مجموعه‌ای از نظریات را در هم می‌آمیزد؛ ساخت‌مانی گیدنز و بوردیو را با نهادگرایی و بخشی‌هایی از کارکردگرایی ترکیب می‌کند. در سال ۲۰۰۰ دو نظریه‌پرداز این مکتب یعنی آلگیتا و بویر در چارچوب اقتصاد سیاسی، بحران جهانی را پیش‌بینی می‌کردند. به‌رغم اشکالاتی که رقا وارد می‌کنند، اقتصاد سیاسی در توضیح بحران اقتصادی توانمند است.

به باور نظریه‌پردازان انتظام در دهه ۱۹۷۰ سرمایه‌داری سازمان‌یافته فوردی به سرمایه‌داری پسافوردی تبدیل می‌شود (عصر اطلاعات، اقتصاد دانش و جهانی شدن). جریان‌بی به وجود آمد که برای غلبه بر دولت و تغییر در پارادایم‌های جزئی، اقتصاد مقررات‌زایی شد. در دوره فوردیسم، تولید انبوه و مصرف انبوه وجود داشت که مصرف انبوه به وسیله دولت رفاة تأمین می‌شد. اما در دوران پسافوردی به‌رغم وجود تولید انبوه، دیگر از مصرف انبوه حمایت نمی‌شود. این یک عامل کلی است و این فاز از سرمایه‌داری از همان ابتدا و با وجود رشد، تحت خطر است. به دنبال مقررات‌زایی بازارهای مالی در دوران ریگان و تاچسر، یک بخش نامولد بزرگ شکل می‌گیرد. سپس فروپاشی سوسیالیسم دولتی نیز رخ داد و جشن غلبه بر

حریف و جهانی شدن به پا بود. بازارهای مقررات‌زایی شده مالی جهانی شده و وسعت و عمق بسیار زیادی یافتند. تولید و توزیع همزمان شد. بازارهای مالی به هم پیوند خوردند. در واقع بیشترین سرعت حرکت ابتدا در بازار مالی است، سپس بازار کالا و بازار کار که زمینگیر است. سرمایه‌داری ریگانی متکی بر رانت‌جویی سرمایه مالی و رانت‌جویی بازار مستغلات و نظامی یعنی بورس‌بازی است. نظامیان رانت‌جو هستند و بازار مستغلات همچنان حباب درستی می‌کند و به ارزش کاربری ربطی ندارد. سرمایه مالی هم به دنبال توسعه تولید نیست. این وضعیت را مارکس هم پیش‌بینی کرده بود. به‌عنوان یک جمله معترضه، گفته می‌شود همه دولت‌های نفتی رانت‌جو هستند، اما دولت‌های جمهوری‌خواه آمریکا هم رانت‌جو بودند. در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ چند بحران رخ داد. اولین بحران در دوران ریگان در زمینه مستغلات ایجاد شد. آمریکا بازارهای جهانی را از دست داد و به مستغلات تکیه کرد و موتور اقتصادی آن از بخش صادرات به مستغلات رفت. در دوره ریگان مقررات‌زایی و موجی از ورشکستگی شرکت‌های وام و پس‌انداز وجود داشت. اوضاع به گونه‌ای بود که حتی زمین هم به‌عنوان وثیقه پذیرفته می‌شد. با اینکه هنوز بازار مالی به این صورت جهانی نبود، این بحران به انگلستان هم سرایت و بزرگ‌ترین شرکت مستغلات

مدیرعامل سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها:

پرداخت یارانه نقدی به تولید صرفه اقتصادی ندارد

■ فارس؛ مدیرعامل سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها در واکنش به اظهارات برخی مدیران شرکت‌های تولیدی در مورد عدم اخذ یارانه نقدی گفت: اساساً پرداخت نقدی به بنگاه در هر دو شاخه خدماتی و تولیدی نه از نظر اقتصادی به‌صرفه است و نه امکان‌پذیر و بر این باوریم که چنین رویکردی تعطیلی و تنبلی بخش تولید را به دنبال دارد. بهروز مرادی با اشاره به طرح موفق هدفمندسازی یارانه‌ها پس از گذشت یک سال از آغاز این طرح اظهار داشت: طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، مجموع ظرفیت کشور از جمله ظرفیت کارشناسی و مدیریتی دولت، ظرفیت کارشناسی در خارج از دولت، مردم به‌عنوان مجریان طرح و مجلس شورای اسلامی را برای تصویب طرح به خدمت گرفت. وی با بیان اینکه طرح هدفمندسازی یارانه‌ها تأثیر بسزایی در صرفه‌جویی حامل‌های انرژی داشته است، تصریح کرد: در بخش برق تا قبل از قانون هدفمندسازی یارانه‌ها هشت‌درصد رشد مصرف خانگی وجود داشت که پس از گشت یک سال از آغاز این طرح نه‌تنها رشدی در مصرف خانگی برق نبوده بلکه دو درصد کاهش مصرف نیز مشاهده می‌شود. مدیرعامل سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها اضافه کرد: به طور کلی در بخش برق با اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، کاهش مصرف خانگی و تجاری، افزایش ۲۰درصدی صادرات و افزایش ۱/۱درصدی صنایع عمده انرژی برق را در پی داشته است.

دبیر انجمن صنایع چوب:

دولت هر وقت یارانه ۲۰درصدی تولید را داد، گام دوم را هم اجرا کند

■ فارس؛ دبیر انجمن صنایع چوب با تأکید بر لزوم اجرای کامل قوانین در کشور گفت: طبق قانون قرار بود ۴۰درصد درآمد حاصل از هدفمندی یارانه‌ها نصیب بخش تولید شود که این مساله عملیاتی نشد. عبدالعظیم آقاجانی در واکنش به اخبار منتشرشده مبنی بر اجرای مرحله دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها طی سال جاری اظهار داشت: تنها انتظار صنعتگران از مسدودان، اجرای کامل قوانین در کشور است. وی ادامه داد: اجرای نیمه‌کاره قوانین در کشور، عدم دستیابی به اهداف پیش‌بینی‌شده در بخش اقتصاد را به همراه خواهد داشت و این در حالی است که اجرای بخشی از قوانین در کشور فراموش شده است.

سامسونگ

C3560

www.samsung.com

- دوربین عکاسی و فیلمبرداری دیجیتال ۲ مگاپیکسل
- جک هدفون ۳/۵ میلیمتری، متوی فارسی، منشی تلفنی، سیستم فید سرعت
- صفحه کلید راحت (امکان برقراری آسان تماس و ارسال پیامک)
- صدای بسیار قوی، فونت بزرگ و خوانا

ماجرای

یه همراه خوب

امور مشتریان: ۲۳۲۳

خدمات مشتریان: ۸۴۳۰